

نقش جهانی شدن در تغییرات دو دهه اخیر خانواده ایرانی

باقر ساروخانی^۲

سیده زهرا میرمحمدرضائی^۱

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۲۳

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین رابطه جهانی شدن و تحولات خانواده در شهر زنجان و شناخت ابعاد و الگوهای تحولات در رویارویی با جهانی شدن با استفاده از روش پیمایش و آزمون فرضیات انجام شد. جمعیت آماری این پژوهش را خانواده‌های (زوجهای بیش از ۲۰ سال) ساکن شهر زنجان به تعداد ۱۹۹۷۷۱ تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد. به منظور افزایش روایی و پایایی، حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای متناسب با حجم (PPS)، داده‌ها جمع‌آوری و از طریق نرم افزار SPSS تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد خانواده‌های شهر زنجان تحت تأثیر جهانی شدن، پیامدهای مثبت و منفی را تجربه کرده‌اند؛ اما جهانی شدن فقط نیروی خارجی نیست که بر ما اثر می‌گذارد، بلکه ما نیز در آن سهیم هستیم. در این میان عوامل محلی را نیز نباید از نظر دور داشت و در سیاستگذاران به فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از جهانی شدن توجه کرد.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، خانواده، تحولات، تغییرات فرهنگی، شهر زنجان.

۱ - نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mirmohammadrezaei@yahoo.com

۲ - استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران b.saroukhani@yahoo.com

مقدمه

خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است. پژوهشهای جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که تغییر جوامع، ماهیت خانواده را تغییر داده است و لذا نمی‌توان از خانواده به عنوان امری تغییرناپذیر و ایستا صحبت کرد. خانواده در دو دهه اخیر در ایران به عنوان جامعه پیرامونی و تأثیرپذیر، تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی دچار تغییر شده است. تغییرات شتابان و گاه اجتناب‌ناپذیر جنبه‌های متعدد زندگی امروزی در اثر عواملی چون جهانی شدن، گسترش ارتباطات و فناوری اطلاعاتی و شبکه‌ای شدن جامعه، خانواده را نیز در معرض تغییر و دگرگونی قرار داده است و تحول معناداری میان تغییرات در خانواده ایرانی و خانواده در جوامع جهانی وجود دارد.

جهانی شدن نه فرایند، بلکه ترکیب پیچیده‌ای از فرایندهاست. جهانی شدن را باید نوعی روند نهادساز زیستی - اجتماعی درک کرد؛ به عبارت دیگر، فرایند جهانی شدن، ثبات، محدودیت و یکپارچگی جامعه سنتی را برهم می‌زند و نوعی فضای اجتماعی نفوذپذیر و پاره پاره و مبتنی بر ویژگیهای تفاوت، سیالیت، پارادوکسی و شبکه‌ای شدن ایجاد می‌کند. چنین وضعیتی، نظام کنش ارزشی را در متن و درون موقعیت خاص، چند لایه و محیطی بدیع، متحول و پیچیده قرار داده است. بنابراین، نظم اجتماعی و ارزشی حاکم بر نظام کنش جامعه در عصر جهانی شده در معرض فشارهای بیرونی و درونی رادیکال قرار دارد. این فشارهای بسترساز، بازسازی و تغییر ساختار و کارکرد نظام کنش اجتماعی در سطوح و لایه‌های گوناگون جامعه از جمله جایگاه کارکردی، ارزشی و ساختاری خانواده شده است (علی احمدی، ۱۳۸۸). از آنجا که خانواده دقیقترین و شفافترین نهاد اجتماعی است که حوادث بزرگ و تاریخی جهان را انعکاس می‌دهد بدرستی باید گفت، خانواده همپای جامعه حرکت می‌کند. خانواده ایرانی در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی تغییرات بنیادینتری یافته است. کمتر کسی است که به تغییرات خانواده باور نداشته باشد. شواهد آماری و اجتماعی و فرهنگی بیانگر افزایش سن ازدواج، کاهش باروری، افزایش انتظار از زندگی، کاهش درخواست فرزند خواهی و... همه از تغییر در خانواده حکایت دارد (لیبی، ۱۳۹۳).

بنابراین باید توجه کرد که آیا خانواده ایرانی همان تغییراتی را تجربه می‌کند که خانواده‌ها در سراسر جهان تجربه می‌کنند. دگرگونیهای خانواده به عنوان کوچکترین واحد بنیادی جامعه،

همواره مورد توجه بوده است به طوری که تغییرات این نهاد اجتماعی در دیگر بخشهای نظام اجتماعی تأثیر می‌گذارد. در این مقاله نیز در پی پاسخ به این سؤالات هستیم که با توجه به انتقال تغییرات از جوامع اروپایی به ایران، آیا خانواده‌های شهر زنجان همان فرایندهای تحول و تغییراتی را تجربه می‌کند که در کشورهای اروپایی شاهد هستیم و یا مسیری دیگر از این تحولات را در پیش گرفته است. خانواده معاصر از جمله خانواده‌های شهر زنجان، چه تحولاتی را در فرایند جهانی شدن تجربه کرده و چه چالشها و فرصتهایی برای آن ایجاد شده است؟

بنابراین ضرورت این پژوهش را می‌توان چنین برشمرد که تغییر و تحولاتی که در غرب به مثابه مدرنیته و جهانی شدن اتفاق افتاده، پیامدهایی را از طریق دنیای اطلاعات و ارتباطات بر نقاط دیگر جهان به جای گذاشته است و چون همه این تحولات از درون نیست و به جوامعی که وارد می‌شود، فرهنگ‌سازی نشده، بحرانهایی را در زندگی مردم جهان به وجود آورده و در این میان، جامعه ایران نیز از این تحولات دور نبوده است. به نظر می‌رسد در ایران زندگی فرهنگی بیش از دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی، تغییراتی را از سر گذرانده و بعضی تحولات اجتماعی راه ظهور گروه‌های اجتماعی را با جهان‌بینی متفاوت و خواسته‌های گوناگون باز کرده است (شکریگی، ۱۳۹۰). بالطبع این تحول و دگرگونی به دلیل فرهنگی بودنش بیش از همه جا اثر خود را در کانون خانواده به جای می‌گذارد. از آنجا که هر نوع تغییری در جامعه در خانواده ریشه دارد، اصلی‌ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایران یا به واسطه خانواده محقق شده یا اینکه جهتگیری آن به خانواده معطوف بوده است. از طرفی خانواده بیش از دیگر نهادهای اجتماعی تحت تأثیر جریان تغییرات جامعه است (ارمکی، ۱۳۸۶). با گذشت زمان و ورود ایران به مرحله‌ای خاص از پیشرفت و با عنایت به پیامدهای ناخواسته جهانی شدن، ضرورت توجه به وضعیت خانواده ایرانی بیشتر مشخص می‌شود؛ زیرا اولاً شاهد باقیماندن برخی از هنجارهای الگوی سنتی خانواده هستیم که بعضاً ناهماهنگ و نامتجانس با تغییرات جدید است. خانواده ایرانی پس از تحولات ناشی از مدرن شدن و فرایند جهانی شدن در بستر جامعه، تغییراتی را تجربه کرد که از نظر ابعاد، سرعت تغییرات، سنخیت، تجانس، پیچیدگی و مقاومت عناصر سنتی بر جای مانده از خانواده پدرسالار با تحولات کلی جامعه همسو بود. پس از وقوع و تأثیر این تغییرات، آسیب‌ها و مسائلی در خانواده و در پی آن در جامعه ایجاد شد که لازم است برای پیشگیری از تشدید یا مقابله با آنها، ماهیت تغییرات خانواده، ابعاد و پیامدهای آن بازشناسی شود. ثانیاً شاهد غفلت در اتخاذ الگویی مناسب برای تحلیل و سیاست‌گذاریهای مقتضی با نهاد خانواده ایرانی هستیم (لیبی، ۱۳۹۳). الگویی که در

رویاری با واقعیت‌ها و مسائل خانواده ایرانی و آنچه در این مقاله مد نظر است، خانواده زنجانی از کفایت ذهنی و عینی مناسبی برخوردار باشد و با تحولات اخیر جامعه ایران و حتی متناسب با وضعیت منطقه‌ای، اقلیم، فرهنگ، آداب و سنن مردم شهر زنجان نیز همسویی بیشتری داشته باشد. به نظر می‌رسد معرفی الگوی مناسب، زمانی میسر خواهد بود که نخست بتوان سیمای جامعه شناختی کنونی شهر زنجان را بازنمایی کرد.

با توجه به آنچه گفته شد اجرای پژوهش از حیث موارد زیر دارای اهمیت است:

- با توجه به لزوم بررسی نهاد خانواده در گذر زمان و تحت تأثیر فرایند جهانی به عنوان نیرویی در تغییر جوامع و در پی آن، نهاد خانواده، تحقیقی که بتواند روند این تحولات را در شهر زنجان مورد بررسی قرار دهد تاکنون انجام نشده است.

- از آنجا که عدم شناخت ماهیت حرکت خانواده در شهر زنجان، آسیبه‌ها، چالشها و نیز توان و ظرفیت پیش روی خانواده را در شهر زنجان نمایان نمی‌کند، تصمیم‌گیری در سطح زندگی خانوادگی برای اعضای خانواده و مدیران فرهنگی و اجتماعی در سطح کلان کشور و نیز استان را سخت و غیر ممکن می‌سازد.

- شناخت علمی از وضعیت خانواده‌های شهر زنجان، تغییرات، چالشها، ظرفیتها و آینده آن، وضع بهبود زندگی خانوادگی را فراهم می‌سازد و زمینه مداخله‌گری نادرست را در خانواده از بین می‌برد.

از سویی منشأ اصلی در توجه به مطالعه خانواده به اهمیت این نهاد اجتماعی در ایران و ضرورت تحلیل جامعه‌شناختی ایرانی باز می‌گردد. اهمیتی که مسائلی چون خانواده در حیات ایرانی دارد، می‌تواند دغدغه جامعه‌شناسان ایرانی برای شناسایی بهتر جامعه ایرانی باشد. از سویی بررسی خانواده بدون درک جامعه جدید تحت تأثیر فرایند جهانی شدن بی‌معنی است. جامعه ایرانی، خانواده ایرانی، تحولات و تغییرات آن، سابقه و تنگناها و مشکلات و چالشهای آن به معنی واکاوی جهانی شدن و مدرنیته ایرانی تحت تأثیر آن است (ارمکی، ۱۳۸۶). آنچه در پی بیان آن هستیم، چگونگی ساختن جامعه از دریچه خانواده است. بدین لحاظ باید از خانواده و جامعه و تطور آنها با توجه به وضعیت جهانی شدن و تأثیر آن در جامعه و خانواده سخن به میان آید. با توجه به آنچه بیان شد، هدف اصلی این پژوهش تبیین رابطه جهانی شدن و تحولات خانواده‌های زنجانی است.

هم‌چنین از اهداف فرعی آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- شناخت ابعاد و الگوهای تحولات خانواده در شهر زنجان
- ۲- شناسایی تأثیرگذارترین ابعاد (ویژگی) جهانی شدن بر تحولات خانواده زنجانی
- ۳- شناسایی تغییرپذیرترین ابعاد خانواده‌های زنجانی در رویارویی با جهانی شدن
- ۴- تعیین تفاوت تغییرات خانواده، تحت تأثیر جهانی شدن بین گروه‌های هم‌دوره ازدواج هم‌چنین در این پژوهش در پی دستیابی به پاسخ سؤالات ذیل بر خواهیم آمد:
- ۱- آیا جهانی شدن در تحولات خانواده‌ها در شهر زنجان نقش مؤثری بر جای گذاشته است؟
- ۲- کدام یک از ابعاد خانواده در شهر زنجان با تحولات قابل توجه روبه‌رو شده است؟
- ۳- کدام ویژگی‌های (ابعاد) جهانی شدن بیشترین تأثیر را بر تحولات خانواده در زنجان گذاشته است؟
- ۴- آیا بین گروه‌های هم‌دوره ازدواج در تغییرات خانواده تحت تأثیر جهانی شدن تفاوت وجود دارد؟

با توجه به آنچه آمد ضروری است مفاهیم اصلی این پژوهش تعریف شود:

خانواده: خانواده در زمره عمومی‌ترین سازمانهای اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین دست کم دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی واقعی یا اسناد یافته به چشم می‌خورد (ساروخانی، ۱۳۷۹). خانواده در این مطالعه به مثابه نظامی اجتماعی است و به طور خلاصه، می‌توان تعریف کارتر و مک گلاریک را از خانواده نقل کرد که گفته‌اند: «خانواده نظامی است که در خلال زمان حرکت می‌کند» (کارتر، ۱۹۸۹). این تعریف به این دلیل اهمیت دارد که به خانواده به مثابه پدیده‌ای پویا نظر افکنده است. هر گاه خانواده را در یک گروه ببینیم و تصویری ایستا از ماهیت خانواده داشته باشیم، دچار اشتباه خواهیم شد؛ چون بر خلاف دیگر گروه‌های اجتماعی، که اغلب یک هدف و حیات در طول زمانی کوتاه دارند، خانواده گروهی است پایدار با اهداف بسیار گوناگون.

تغییر اجتماعی: تغییر اجتماعی، تغییری قابل رؤیت در طول زمان است به صورتی که موقتی و یا کم دوام نباشد؛ بر ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون سازد (روشه، ۱۳۷۸). بنابراین تغییر اجتماعی پدیده‌های قابل رؤیت و قابل بررسی در مدت زمانی کوتاه است به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگیش می‌تواند تغییری را شخصا تعقیب کند؛ نتیجه قطعی آن را ببیند و یا نتیجه موقتی آن را دریابد. علاوه بر این تغییر اجتماعی در محدوده محیط جغرافیایی و اجتماعی

معینی صورت می‌پذیرد (روشه، ۱۳۷۸).

جهانی شدن: تعاریف و تعبیر گوناگونی از جهانی شدن و مسائل آن به عمل آمده است؛ مانند فشردگی زمان و فضا، جامعه اطلاعات محور، دهکده جهانی، فرایند غربی کردن جهان، آگاهی از کلیت جهانی، همبستگی جهانی واقعی، جهانی جهانی، عینی و ذهنی و غیره؛ اما به طور کلی می‌توان گفت که «جهانی شدن، فرایند فشردگی فزاینده زمان و فضا است که به واسطه آن مردم دنیا کم‌وبیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند» (گل‌محمدی، ۱۳۸۱).

جهانی شدن، روندی از دگرگونی است که از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می‌رود و علم، فرهنگ و شیوه زندگی را نیز دربر می‌گیرد. جهانی شدن پدیده‌ای چندبعدی و قابل تسری به جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی است (دهشیری، ۱۳۹۳). مارتین آلبرو جهانی شدن را فرایند انتشار ارزشها و فناوری و نفوذ آن بر زندگی اجتماعی افراد جامعه و گسترش ارتباطات در سطح جهانی، سازمان یافتگی اجتماعی در گستره جهانی و انسجام و استحکام جامعه جهانی می‌داند (دهشیری، ۱۳۹۳). گیدنز کوتاهترین تعریف ممکن از جهانی شدن را ارائه می‌کند: «فرایند به هم وابستگی روز افزون ما». در تعریف گیدنز از جهانی شدن نهادهای جدید نقش ممتازی دارند. وی جهانی شدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که باعث می‌شود هر روز تعداد بیشتری از مردم در حالی زندگی کنند که در آن نهادهای جدید و «از جا کنده شده»،^۱ جنبه‌های اساسی زندگی روزمره را انتظام می‌بخشند. ویژگی این نهادهای جدید این است که جریانهای بومی را با روابط اجتماعی جهانی پیوند می‌دهد (جلایی‌پور، ۱۳۸۸). مالکوم واترز^۲ نیز جهانی شدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند (بهکیش و پرهیزگار، ۱۳۷۹). هاروی (۱۹۹۸) جهانی شدن را متضمن دو عنصر «فشردگی در زمان و مکان» و «کاستن از فاصله‌ها» می‌داند. به نظر «هلد» بررسیهای مربوط به تغییرات اجتماعی با بحث جهانی شدن همراه بوده است (هلد، ۲۰۰۰).

در زمینه تأثیر جهانی شدن و تغییرات خانواده، تحقیقات بسیاری در ایران صورت پذیرفته است که با مروری بر این آثار می‌توان گفت تحقیقات مربوط به تحولات خانواده عموماً در دو جهت

1 - Disembedded
2 - Malcom Waters

حرکت کرده است: دسته اول آثاری که تأثیر یک بعد از جهانی شدن را بر بخشی از تحولات خانواده و یا یک بعد از تغییر خانواده معطوف کرده است که از آن جمله می‌توان به پژوهشهایی از قبیل جهانی شدن فرهنگ و ارزشهای خانواده (طنازی، ۱۳۹۱)، جهانی شدن فرهنگ و ارزشهای زناشویی (قلیچ، ۱۳۹۱)، تأثیر جهانی شدن بر سن ازدواج (حسینی و مشفق، ۱۳۹۳)، تداوم و تغییر خانواده در جریان‌گذار جمعیتی ایران (سرای، ۱۳۸۶)، جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری زنان (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲)، زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن (عنایت و موحد، ۱۳۸۳)، بررسی نقش برنامه‌های ماهواره‌ای در تغییر نگرشها و ارزشهای خانواده (سمیعی و دیگران، ۱۳۹۱)، نقش جهانی شدن در تحولات مربوط به ساختار خانواده (کازمی و نیازی، ۱۳۹۱)، تحلیل گفتمان خانواده مبتنی بر جهانی شدن و دین‌مداری (دیندار، ۱۳۹۳) اشاره کرد. دسته دوم به چالشهای فرا روی خانواده تحت تأثیر جهانی شدن و مدرنیته پرداخته‌اند؛ همچون تهدیدهای خانواده و تقابل سنت و مدرنیته (علی احمدی و پوررضا، ۱۳۹۲)، پذیرش فرهنگ جهانی در کلانشهرها و کاهش سرمایه اجتماعی خانواده (ادریسی و رحمانی، ۱۳۹۱)، چالشهای فراروی کارکرد خانواده در عرصه جهانی شدن (مشگی، ۱۳۹۱). نقاط قوت این تحقیقات این است که نظریات خوبی ارائه کرده‌اند که محقق توانست از آنها بهره‌فرآوانی ببرد. بیشتر تحقیق‌های داخلی تنها یک بعد از تغییرات خانواده را تحت تأثیر جهانی شدن در نظر گرفته‌اند و به بررسی تمام تغییرات خانواده تحت تدبیر جهانی شدن نپرداخته، و بیشتر آنها چالشهای خانواده تحت تأثیر جهانی شدن را مد نظر قرار داده‌اند.

با مطالعه تحقیقات خارجی، که در زمینه رابطه جهانی شدن و تحولات خانواده صورت پذیرفته است، می‌توان آنها در سه دسته جای داد: دسته اول: پژوهشهایی که تغییرات ساختاری خانواده و هم‌چنین روابط درون خانوادگی را مد نظر قرار داده‌اند و پژوهشگران بر این قسم از تغییرات خانواده تأکید بیشتری دارند؛ پژوهشهایی همچون جهانی شدن، ساختار خانواده و کاهش باروری در جهان در حال توسعه (هاریسون، رابینسون^۱، ۲۰۰۱)، تغییرات خانواده و جهانی شدن در روستای لبنانی (عین القیس) (جبرا^۲، ۲۰۰۸)، تأثیر جهانی شدن بر ساختار خانواده (مطالعه ۳۰۰ خانوادگی بنگالی) (کومار^۳، ۲۰۱۲)، تأثیر جهانی شدن بر روابط خانواده در چین (یانگ و جی نیل^۴،

1 - Sabrah.F.Harbinson, Warren C. Robinson

2 - Nancy w.Jabrabra

3 - Anchalesh Kumar

4 - Renxin Yang and Arthur G. Neal

۲۰۰۶) در این دسته قرار می‌گیرد. دسته دوم: پژوهشهایی که تغییرات ارزشی خانواده را تحت تأثیر فرایند جهانی شدن در نظر داشته است پژوهشهایی همچون تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ خانواده (حبش، ۲۰۱۰) و دسته سوم: پژوهشهایی که دیگر تغییرات خانواده را نیز مد نظر قرار داده است؛ پژوهشهایی از قبیل خانواده در دنیای امروز (چیل، ۲۰۰۷)، تأثیر جهانی شدن در خانواده‌های ماسایی (بی. آر اولی^۱، ۲۰۱۳)، جهانی شدن و خانواده (شریف^۲، ۲۰۱۰). مرور منابع نشان داد که نظریه‌پردازان مختلفی در زمینه تغییرات خانواده تحت تأثیر جهانی شدن بررسیهایی انجام داده‌اند؛ اما آنچه بیشتر از همه در همه نظریه‌ها به چشم می‌خورد تأکید آنها بر تغییرات جمعیتی خانواده بوده است و یا بیشتر تغییرات ساختاری خانواده را مد نظر قرار داده‌اند و دیگر تغییرات را کمتر در نظر داشته‌اند. بیشتر تحقیق‌های ایرانی از دیدگاه منفی‌تری نسبت به تغییرات خانواده تحت تأثیر جهانی شدن نظر داشته، و ابعاد مثبت تأثیرات فرایند جهانی شدن را بر خانواده ایرانی کمتر در نظر داشته‌اند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تحقیق‌های خارجی کمتر با پیشداوری، تغییرات را بررسی کرده و از دید آسیب‌شناختی آن را مد نظر قرار نداده‌اند. بنابراین در این مقاله تصمیم بر آن شد تا با بررسی روند تغییرات در خانواده بدون تأکید بر بعد خاصی از تغییرات و بدون پیشداوری منفی بر آسیب‌زایی این تغییرات در خانواده با تاسی از جهانی شدن، تغییرات زندگی افراد بررسی شود.

از جمله دیدگاه‌های نظری مورد استفاده این پژوهش دیدگاه دیالکتیکی است. بر اساس دیدگاه دیالکتیکی، پدیده‌های اجتماعی، پدیده‌های متصلب، خشک و غیر قابل تغییر نیست. پدیده‌های اجتماعی ترکیبی از ذهنیت و معنا و غایت است و هیچ‌گاه به نهایت و پایان نمی‌رسد. پدیده‌های ناتمامی است که همواره در حال تغییر و شدن است بویژه اینکه پدیده‌های اجتماعی در حال ترکیب است (بشیریه، ۱۳۷۳). در واقع پدیده‌های اجتماعی و کنشهای انسانها، همواره در حال شدن، تغییر، بازنگری، تلفیقی و دیالکتیکی است. تبیین کنش، مهمترین مسئله در عرصه جامعه‌شناسی است و رویکرد جامعه‌شناسان در برخورد با این موضوع در قالب دو سنت عین‌گرایی^۳ و ذهن‌گرایی^۴ دسته‌بندی می‌شود که براین رقابت این دو سنت متقابل در مفهوم دوگانه‌گرایی^۵ نهفته است. در واقع حیات اجتماعی انسانها در جدال دیالکتیکی بین عینیت و

1 - Koissaba B.R. Ole
2 - Bahira Sherif Trask
3 - Objectivism
4 - Ubjectivism
5 - Dualism

ذهنیت معنا می‌یابد و در این جدال هر گونه تغییری و در هر وضعیت خاص تاریخی، پیامدهایی خاص را به دنبال می‌آورد. رویکرد دیالکتیکی، گویای این است که دیالکتیک یعنی تمامیتی که اجزای آن در تقابلهای دوگانه و بیشتر، نشاندهنده ویژگی حرکت و تغییر و پویایی آن است؛ یعنی جامعه یا گروه اجتماعی به همان میزان منظم و دارای ساخت و واقعیتی تمام است که تمامیت آن نیز به اشتراک نیازها، راه‌ها و اهداف اجزا بر می‌گردد و حامل و جامع تفاوت‌های حساس میان اجزاست. تفاوت‌های حساسی که اگر چه متفاوت است با اشتراکات میان اجزای متفاوت با هر درجه‌ای از تفاوت، هماهنگ شده است و کل تمامی را تشکیل می‌دهد (تنهایی، ۱۳۸۲). به این گونه، تمام جامعه‌شناسان نیز زمانی که حرکت، تغییر، گذار، تحول و هر گونه پویایی اجتماعی را بخواهند بفهمند یا تبیین کنند، ناگزیر در شناخت این واقعیت دیالکتیکی درگیرند. پس همان گونه که در اصل تفکیک یافتگی مشاهده شد، تغییر، تحول و تکامل جوامع یا گذار تفکیک یافتگی جوامع، یعنی تغییر و تحول منظم واقعیت‌های دوگانه و بیشتر. از این دیدگاه نهاد خانواده به مثابه جهانی اجتماعی و نمادی است که خود حاوی رویکردی دیالکتیکی زاده کنش و واکنش افراد است (شکریگی، ۱۳۹۰).

از اینرو عنصر زمان در ساحت‌های گذشته، حال و آینده در پدیده‌های اجتماعی اثر می‌گذارد و به لحاظ معرفت‌شناسی، پویایی و انعطاف‌پذیری را در طول زمان سبب می‌شود به گونه‌ای که جدا کردن پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی از ویژگی زمانمندی خود غیر ممکن خواهد بود. از این رو، برخی معتقدند بهتر است خانواده را با رهیافتی دیالکتیکی مطالعه کنیم؛ چرا که هر تعادل و توازنی در خانواده، حالتی ناپایدار و گذرا دارد و همواره عوامل خاصی هست که این تعادل را بر هم می‌زند و باعث ایجاد تغییراتی در آن می‌شود. در این تفکر، خانواده همزمان با پیوندها و تقابلها روبه‌روست که گریزی از آنها نخواهد داشت (مک کارتی، ۱۳۹۰).

گیدنز^۱ در نظریه ساختیابی خود، ساختار (به معنی قواعد و منابع) را هم به سطح کلان (نظام‌های اجتماعی) و هم به سطح خرد (خانواده) پیوند می‌دهد (جلایی‌پور، ۱۳۸۴). گیدنز نیز معتقد است: «نباید به اشتباه، جهانی شدن را نیرویی کاملاً خارجی به شمار آورد. جهانی شدن پدیده‌ای دیالکتیک بوده و هست و این مقوله به عاملیت باز می‌گردد. ما عاملان این فرایند هستیم؛ همان طور که همزمان تحت تأثیر آن نیز قرار داریم و زندگیمان به طور کلی توسط آن تغییر

می‌کند. جهانی شدن در دگرگونی نهادهای بنیادین جامعه مؤثر است که از خانواده تا ماهیت زندگی اقتصادی، حاکمیت سیاسی، زندگی فرهنگی و جامعه گسترده‌تر جهانی که دارای سازمانهای جهانی است» (جلایی‌پور، ۱۳۸۴). از دیدگاه گیدنز جهانی شدن روی افراد هم اثر می‌گذارد ولی نکته مهمی که گیدنز بدان اشاره می‌کند این است که جهانی شدن فقط نیروی خارجی نیست که بر ما اثر می‌گذارد بلکه ما نیز در آن سهمیم. هم‌چنین جهانی شدن فقط تأثیرات وسیع و کلان نمی‌گذارد بلکه در زندگی روزمره ما حضوری ملموس دارد. بنابراین با توسل به رویکرد دیالکتیکی با نظریاتی که مرور شد به بررسی نظریات گیدنز، کاستلز، داگلاس کلنر، جان تاملینسون، اوریش بک، وایدمر، گرنسهایم، زارتلر، دورکیم، نظریه تغییرات ارزشی اینگلهارت و دیدگاه ایده‌آلیسم توسعه می‌پردازیم. در کانون نظر جامعه‌شناسانه‌ای که در کنار جهانی شدن اقتصاد به تحولات ارتباطی توجه دارد، «آنتونی گیدنز» است. او بر تأثیر انقلاب ارتباطات و گسترش فناوریهای اطلاعات در فرایند جهانی شدن تأکید دارد. و آن را به منزله تبدیل و دگرگونی مفهوم زمان و مکان در زندگی انسانها مورد توجه قرار می‌دهد. باز بودن فضاهای خصوصی زندگی ما به روی جهان به واسطه فناوریهای پیشرفته پیام‌رسانی از عوامل مهم دگرگونی تجربه فرهنگی انسان در تمام سطوح است. گیدنز از این تجربه به عنوان مقوله «جابه‌جایی» یاد می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۰). گیدنز (۲۰۰۱) رسانه‌های ارتباط جمعی را ابزار جهانی شدن در نظر می‌گیرد و معتقد است در جهان مدرن امروزی، که عصر ارتباطات و داده‌ها نام گرفته است، جهانی شدن با فرایند کسب آگاهی از راه فناوریهای جدید داده‌ای و ارتباطاتی، ساختار روابط اجتماعی را در راستای پهنه‌های نامحدود زمانی - مکانی گسترش می‌دهد. او در این زمینه از اصطلاح «تجربه واسطه‌ای» استفاده می‌کند که منظور از آن فناوریهای مدرن و رسانه‌های جمعی است (تاملینسون، ۲۰۰۲).

جان تاملینسون^۱ که از جمله نظریه‌پردازان حوزه فرهنگ است، عناصر اصلی جهانی شدن را در زمینه‌ای می‌بیند که خود نام «سیاق فرهنگی» بر آن نهاده است. فکر همجواری، ما را به «فراسوی وضعیت تجربی ارتباط» می‌برد. همجواری به ما کمک می‌کند که به‌رغم وجود فاصله فیزیکی انکارناپذیر بین انسانها، ارتباط با دیگران را تجربه کنیم؛ چه به گونه‌ای تصویری و از طریق رسانه‌های جمعی و چه به طور فیزیکی و با در نوردیدن فاصله زیاد در زمانی اندک به وسیله

هواپیما. ولی به نظر تاملینسون یکی از معیارهای تحقق جهانی شدن این است که غلبه بر فاصله فیزیکی، که به وسیله سفرهای هوایی ممکن شده است تا چه اندازه با غلبه بر فاصله فرهنگی هماهنگ است (تاملینسون، ۱۳۸۰). از جمله مباحث مهم کلنر،^۱ که هم‌چنین انعکاسی از دیدگاه دیالکتیکی اوست، اندیشه‌اش درباره اینترنت است. از این فناوری جدید به شیوه‌های گوناگون برای ترویج جهانی شدن استفاده می‌شود. بدین‌سان کلنر نوعی توان مردم‌سالاری آرمانی را در این فناوری و دیگر فناوریهای جدید می‌بیند که دست کم یک زمینه مورد اختلاف را برای جهانی شدن ارائه می‌کند (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۳). کاستلز ظهور جامعه شبکه‌ای را سرآغاز دگرگونیهای همه‌جانبه می‌داند. جامعه شبکه‌ای، فرایند جدیدی از جهانی شدن را نشان داده است؛ فرایندی پیچیده، متناقض و چندوجهی که از یک سو به تشدید روندهای یکسان‌سازی در سطح بین‌الملل کمک کرده و از سوی دیگر به رشد بومی‌گرایی و توجه به فرهنگهای خرده اقلیمی و پاره فرهنگها انجامیده است. در واقع توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب فشردگی «زمان - فضا» شده؛ مفهومی که هم محرک و هم محصول فرایند جهانی شدن است (کاستلز، ۱۳۸۰).

آنتونی گیدنز و اولریش بک^۲ (۱۹۹۴) به عنوان نظریه‌پردازان مدرنیته متأخر ضمن اینکه نگران پیامدهای منفی دنیای مدرن هستند به اختیارات کنشگران نیز خوش‌بین هستند. آنتونی گیدنز و اولریش بک هر دو از خطرپذیری و آزادی پر مخاطره به عنوان شاخصهای کلیدی مدرنیته دنیای جدید یاد می‌کنند. بازانديشي مدرنيته از مفاهيم محوري اندیشه گيدنز است. ويژگي مدرنيته، بازانديشي درباره همه چيز است. اولریش بک نیز نیز با تأکید بر مفهوم نوگرایی باز اندیشانه معتقد است که امروزه کنشگران این امکان را دارند که درباره خود و نظام روابط اجتماعیشان بازانديشي کنند.

برگر در مورد هویت بازانديشانه معتقد است، جامعه در حال تغيير و تحول، فرد را به بازانديشي و تصميم‌های گوناگون ناگزير می‌سازد (برگر و ديگران، ۱۳۸۰). تعريف مورد نظر از بازانديشي در اين پژوهش به تعريف برگر نزديک است. در واقع منظور از بازانديشي، تركيب اندیشه و کنش است به گونه‌ای که ضمانت سنت و عرف را در پی نداشته باشد؛ يعني بازانديشي از نوع دوره مدرن با وضعیتی که تردید و بازننگری پایدار در زندگی اجتماعی حاصل شود و عملکردهای اجتماعی دائماً در معرض بازسنجی قرار بگیرد. این حالت عبارت

است از منابع و بسترهای تازه از قبیل رسانه‌های جهانی، فضاهای مجازی و فن‌آوریهای اطلاعاتی و ارتباطاتی و دانشهای جدید. این منابع و بسترها باعث فراوانی مراجع و زمینه‌های عمل می‌شود و در نتیجه، بازاندیشی را در پی دارد.

نظریه تغییرات ارزشی اینگلهارت^۱ به دلیل پیوند تحولات در سطح کلان با تغییرات ارزشی فردی، قابل اتکا است. با توجه به نظریه اینگلهارت، توسعه اقتصادی و گسترش رسانه‌های جمعی در ایران (به عنوان یکی از ابعاد جهانی شدن) در سالهای اخیر تغییراتی را در ارزشهای خانواده به وجود آورده است. با توجه به نظریه اینگلهارت در تبیین تغییرات ارزشی در جوامع پیشرفته صنعتی و نیز جوامع در حال توسعه همچون ایران از آن به مثابه یکی از نظریه‌ها در چارچوب مفهومی تحقیق به منظور توضیح و تبیین تغییر ارزشهای خانواده استفاده می‌شود. بنابراین بروز تغییرات ارزشی در ایران به دلیل جهانی شدن می‌تواند به روابط اجتماعی خارج از چارچوب، همبالی، فردگرایی و... منجر شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳). دیدگاه ایده‌ال‌یسم توسعه‌ای نیز دربرگیرنده دو بعد ساختاری و اندیشه‌ای تبیین تغییرات خانواده است. بر اساس این دیدگاه نوعی جریان تغییر و تحول در سطح فردی و اجتماعی در حال وقوع است که تک خطی نیست و بسته به جوامع مختلف، متفاوت است. در این نظریه بر گسترش افکار مرتبط با توسعه، پیشرفت و مدرنیته در سطح جهان به عنوان نیرویی مهم و تأثیرگذار در تغییرات ارزشی و رفتاری خانواده تأکید شده است (عسگری‌ندوشن و دیگران، ۱۳۸۸).

با توجه به اینکه نظریه‌پرداز اصلی در دوران مدرن درباره خانواده، گیدنز است، مفهوم «تحولات خانواده» از دیدگاه وی بررسی می‌شود. گیدنز معتقد است خانواده امروز، دستخوش چهار دگرگونی اصلی می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۴): از دست دادن نفوذ گروه‌های خویشاوندی به هم پیوسته، رواج روند انتخاب آزادانه همسر و کاهش ازدواجهای تنظیم شده، افزایش حقوق زنان هم از نظر حق انتخاب در ازدواج و هم تصمیم‌گیری در خانواده، کاهش نقش گروه خویشاوندی به عنوان عامل سازمان دهنده روابط زناشویی، رشد آزادیهای جنسی، گسترش حقوق کودکان، گیدنز تبدیل شدن خانواده به مثابه مجموعه‌ای از ارتباطهای عاطفی و نه واحدی اقتصادی و تغییر نگرش نسبت به انتظارات از نقشهای زن و مرد تحت تأثیر معرفت‌بازاندیشانه را از جمله تغییرات ایجاد شده در خانواده می‌داند. گرنسهایم معتقد است جهانی شدن

اگر چه باعث تحولات بزرگی در زمینه فناوری شده است، واقعیت این است که همین پدیده موجب رشد بیکاری در بسیاری از کشورهای جهان شده است و افراد ناچار می‌شوند برای پیدا کردن شغل به شهری دیگر بروند و در چنین حالتی داشتن فرزند بسیار دشوار است. او معتقد است خانواده‌ها از نظر تاریخی به سوی ارتقای کیفی پیش می‌روند و در آنها شاهد خودمختاری بیشتر برای افراد در کنار حقوق مساوی برای اعضای خانواده هستیم (لیبی، ۱۳۹۳). وایدمر^۱ نیز تحول خانواده را از مرحله سنت به مدرنیته می‌داند؛ اما اینک شاهد دوران پسامدرنیته هستیم و باید ویژگیهای خانواده را در این عصر مورد مطالعه قرار دهیم. افراد در دنیای امروز دیگر جمع‌های خانوادگی گذشته را سامان نمی‌دهند؛ بلکه خود در انتخاب و گزینش افرادی دخالت دارند که مایلند در جمع آنان قرار گیرند. خانواده در حال افول نیست بلکه به نوعی بازنگری در ماهیت و کارکردهای آن روی می‌دهد و به صورت دائم در حال بازسازی و ترمیم خود است. وایدمر نشان می‌دهد موضوعی مانند سرمایه اجتماعی دارای ابعاد ساختاری، روابط متقابل و مهمتر از همه آنها وجود اعتماد بین افراد است. البته میزان سرمایه اجتماعی، نوع شکل‌گیری آن و حتی ماهیت و ارزشهای آن در خانواده‌های مختلف یکسان نیست (وایدمر، ۲۰۰۶). ریتا والینوا^۲ معتقد است تصویری که امروزه از فردگرایی ارائه می‌شود، بسیار اغراق‌آمیز است؛ بدین ترتیب در خانواده نیز طیفی از فردگرایی وجود دارد نه اینکه آن را اصلی ثابت برای توضیح تحولات خانواده در تمامی نقاط جهان فرض کنیم. به عقیده او باید فردگرایی، روابط خانوادگی و خویشاوندی از دیدی تازه مورد مطالعه قرار گیرد. در خانواده‌های امروزی آنچه باید حلقه گمشده قلمداد شود، این است که اعضای خانواده دلیلی برای جمع شدن کنار هم پیدا نمی‌کنند. دسترسی به اینترنت و امکانات جانبی آن در بسیاری از کشورهای اروپایی باعث شده است تا اعضای خانواده اوقات فراغت خود را با گشت و گذار در اینترنت سپری کنند (والینوا، ۲۰۰۸).

اولریک زارتر^۳ به تحولات خانواده در اروپا از دید آسیب‌های اجتماعی توجه خاصی دارد. او کانون توجه خود را بر پدیده طلاق معطوف کرده است. به عقیده او در حال حاضر باید بدون تعصب و یکسونگری به آن توجه کرد. در واقع طلاق در بسیاری از موارد از وقوع فجایع بزرگتری جلوگیری می‌کند؛ این به معنی حمایت از طلاق نیست؛ اما به معنی بازنگری در معنا و کارکردهای آن است. آنچه در دنیای امروز ماهیت روابط اعضای خانواده را دگرگون ساخته تحولات اساسی

است که در هرم قدرت خانواده ایجاد شده است؛ بنابراین شناخت منابع قدرت در خانواده می‌تواند زمینه درک نابرابریهای خانواده را فراهم کند (زارتگر، ۲۰۰۹). دورکیم معتقد است در چرخش همبستگی مکانیکی به ارگانیکی، تغییر در تقسیم وظایف بر اساس تفاوت جنسیتی و ظهور فردگرایی را مشاهده خواهیم کرد. دورکیم در این مورد معتقد است هر چه سازمانهای اجتماعی وسعت گیرند، بار خانواده از حیث وظایف کمتر می‌شود و مقداری از آن بر دوش این مؤسسات قرار می‌گیرد. علاوه بر این دورکیم به این مسئله اشاره دارد که خانواده‌های جدید به سوی انقباض تدریجی رفته‌اند که آن را بسط حاشیه‌ای باید نامید (اسمیت، ۱۳۹۱). تحولات بنیادین در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، باعث دگرگونیهای فراوان در ساختار خانواده و در پی آن کارکردهایش در سراسر جهان شد. کارکردهایی که روزی در انحصار خانواده‌ها بود؛ هنگامی که در کارکردهای خانواده اختلال ایجاد شود، نظام خانواده دچار کژکارکردی، همان طور که مرتن معتقد است، می‌شود. بنابراین فرض نظری تحقیق این است که تحت تأثیر اوضاع اجتماعی جامعه ناشی از امواج جهانی شدن، خانواده سنتی ایرانی برخی کارکردهای خود را از دست داده و یا کارکردهای آن تغییر کرده و تعادل ساختاری آنها با چالش روبه‌رو شده است و بروز پدیده‌ای همچون طلاق عاطفی دور از انتظار نیست. پارسونز نیز به عنوان مهمترین نظریه‌پرداز مکتب ساختی کارکردی به رهیافت تکاملی نیز معتقد بود. پارسونز معتقد است چنانچه نیروهای مؤثر در دگرگونی بسیار قوی باشند و چنانچه فشاری که از خارج و داخل بر سامانه اثر می‌گذارد نیرومند باشد باعث دگرگونی عمیق در کل سامانه می‌شود و او این تغییر را ساختی می‌نامد. او معتقد است تمایز و تفکیک ساختی موجب تغییراتی در خانواده می‌شود. پارسونز پیدایش نهادهای جدید را عامل عمده در تغییر وظایف خانواده و کم شدن ابعاد خانواده معرفی می‌کند.

با توجه به این موارد، چارچوب نظری این پژوهش نظریه جهانی شدن آنتونی گیدنز، داگلاس کلنر، جان تاملینسون، جامعه شبکه‌ای مانوئل کاستلز، نوگرایی بازاندیشانه و جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک و گیدنز، تحول خانواده آنتونی گیدنز، وایدمر، والینوا و گرنسهایم، تحول و آسیب خانواده زارتگر، چرخش همبستگی مکانیکی به ارگانیکی دورکیم، تمایز و تغییر ساختی پارسونز و کژکارکرد و بی‌کارکرد مرتن است تا بر اساس آن فرضیه‌های مرتبط به آزمون گذاشته شود. در جدول ذیل ماتریس نظری، متغیرهای سنجش نظریه، متغیرهای مستقل و وابسته مربوط به چارچوب نظری ارائه می‌شود.

جدول ۱: ماتریس نظری، متغیرهای سنجش نظریه، متغیرهای مستقل و وابسته

نظریه پرداز	نظریه	متغیرهای سنجش نظریه و مفاهیم از دیدگاه نظریه پردازان	متغیرها و شاخصها
آنتونی گیدنز	جهانی شدن	- تجربه واسطه‌ای - جابه‌جایی - تشدید روابط اجتماعی	(متغیر مستقل جهانی شدن) - مصرف شبکه‌ای - گسترش جهانی - رسوخ و عمومیت در سفرهای خارجی
مانوئل کاستلز	جامعه شبکه‌ای	توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات	
داگلاس کلنر	جهانی شدن	انقلاب فناورانه (اینترنت)	
جان تاملینسون	جهانی شدن	همجواری فرهنگی (از طریق سفرهای هوایی)	
آنتونی گیدنز و تحولات خانواده	جهانی شدن و تحولات خانواده	- تبدیل شدن خانه به واحد عاطفی نه اقتصادی - افزایش حقوق زنان در تصمیم‌گیری - رواج انتخاب آزادانه همسر - تغییر نگرش به انتظارات نقش - ازدست دادن نفوذ گروه خویشاوندان - رشد آزادیهای جنسی - گسترش حقوق کودکان	(متغیر وابسته تغییرات خانواده) - انتظارات نقش - ساخت قدرت (تصمیم‌گیری) - شیوه‌های همسرگزینی - نگرش به روابط خارج از چارجوب - فرزندمداری - روابط خویشاوندی - فردگرایی - طلاق عاطفی
اولریش بک	نوگرایی باز اندیشانه و جامعه مخاطره‌آمیز	- بازاندیشی افراد درباره خود و در نظام روابط اجتماعی آنان - آزادی پر مخاطره و استقلال‌خواهی - مطالبات حقوق زنان - فردگرایی	
آنتونی گیدنز	بازاندیشی مدرنیته	- انعکاس مداوم اندیشه و کنش در همدیگر	
وایدمر	تحول خانواده	- کاهش نفوذ جمع‌های خانوادگی	
والینوا	تحول خانواده	- وجود طیفی از فردگرایی - بی‌معنایی جمع‌های خانوادگی	
گرنسهایم	تحول خانواده	- ارتقای کیفی خانواده	
زارتler	تحول و آسیب خانواده	- شناسایی تصمیم‌گیران نهایی خانواده برای شناخت منابع قدرت	
دورکیم	چرخش همبستگی مکانیکی به ارگانیکی	- ظهور فردگرایی - تغییر در تقسیم وظایف بر اساس تفاوت جنسیتی	
پارسنز	تمایز و تغییر ساختی	تغییر وظایف و کارکرد خانواده	
مرتن	کژ کارکرد وبی کارکرد	کژ کارکردی و بی کارکردی خانواده و ظهور طلاق عاطفی	

نقش جهانی شدن در تغییرات دو دهه اخیر خانواده ایرانی

با توجه به چارچوب نظری، فرضیه‌های ذیل استخراج شد:
فرضیه اصلی: تجربه جهانی شدن باعث تغییراتی در خانواده‌های زنجان شد و آن را متحول کرد.

فرضیه‌های فرعی: ۱ - هر کدام از متغیرهای مصرف شبکه‌ای، گسترش جهانی و رسوخ و عمومیت در سفرهای خارجی به تفکیک باعث تغییراتی در خانواده‌های شهر زنجان شد؛ بدین معنی که:

- ساخت قدرت را تغییر داده و تصمیم‌گیری را در خانواده از حالت مفروض به مشايعت تبدیل کرده است.

- تغییر نگرش نسبت به انتظارات از نقش‌های زن و مرد را به همراه داشته است.

- با تغییر در شیوه‌های همسرگزینی قرین بوده است.

- تغییر نگرش به روابط خارج از چارچوب را موجب شده است.

- با شکل‌گیری طلاق عاطفی در خانواده و تکوین خانواده اضطراری همراه شده است.

- تکوین خانواده‌های تفردی را موجب شده است.

- فرزندمداری را موجب شده است.

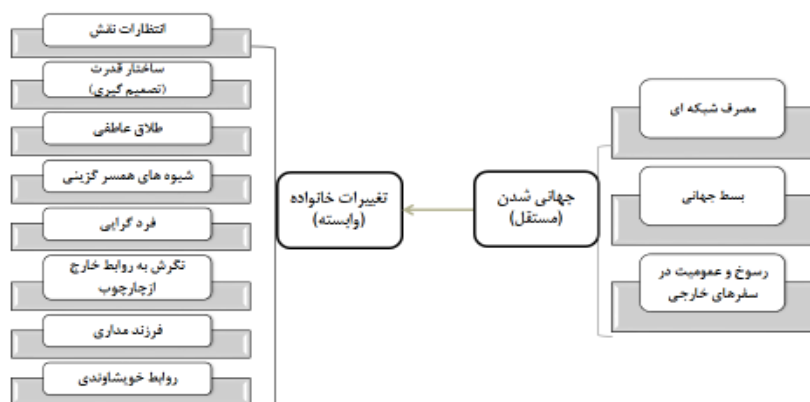
- موجب تحدید روابط خویشاوندی شده است.

۲ - تغییرات خانواده، تحت تأثیر جهانی شدن در گروه‌های هم‌دوره ازدواج متفاوت است؛ بدین معنی که گروه‌های هم‌دوره ازدواج قدیمی‌تر کمتر تحت تأثیر تجربه جهانی شدن قرار دارند.

روش

این تحقیق با رویکرد اثبات‌گرایی و نوع توصیفی - تبیینی و به روش پیمایش، مسئله مورد مطالعه را با استفاده از نظریات و آزمون فرضیات بررسی می‌کند. در این پژوهش، تحولات خانواده در میان خانواده‌های ساکن در شهر زنجان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. جمعیت آماری این تحقیق را خانواده‌های (زوجهای بیش از ۲۰ سال) ساکن شهر زنجان بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ به تعداد ۱۹۹۷۷۱ نفر تشکیل می‌دهد. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران حجم ۳۸۴ نفر به دست آمد که برای افزایش روایی و پایایی تحقیق، حجم نمونه

به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری نیز خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۱ متناسب با حجم است که به نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم pps^۲ معروف است. در این شیوه احتمال انتخاب هر بلوک به تعداد خانوارهای آن بستگی دارد. چارچوب جامعه آماری در واقع بلوکهای ساختمانی شهر زنجان هستند که از طریق روش نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم pps بلوکهای هر منطقه (مناطق شهرداری ۶ گانه) ۴۰ بلوک انتخاب شده است و از هر بلوک پنج خانوار با روش نمونه‌گیری تصادفی سامانمند انتخاب شد تا حجم نمونه پیش‌بینی شده را پوشش دهد. بنابراین در این پژوهش، پنج همگروه ازدواج که در پنج سال، ده سال، ۱۵ سال، ۲۰ و ۲۵ سال زندگی مشترک خود هستند به نسبت مساوی از هر یک از همگروه‌های ازدواج انتخاب شد و مصاحبه (تکمیل پرسشنامه) صورت گرفت. در تحقیق برای تعیین اعتبار از اعتبار صوری و تحلیل عامل تأییدی با استفاده از نرم‌افزار AMOS و برای سنجش پایایی ابزار تحقیق از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای کل (۰/۸۳) به دست آمد. هم‌چنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده شد.



نمودار ۱: الگوی نظری پژوهش

یافته‌ها

نتایج توصیفی: نتایج بیانگر این است که (۳۷/۵) درصد از زوجین مورد مطالعه دارای تحصیلات دیپلم هستند و (۳۷) درصد در رده‌های سنی ۳۶ تا ۴۵ قرار دارند. یافته‌ها بیانگر این

است که بیشتر افراد (۲۲) درصد دارای یک فرزند هستند. پاسخگویان در این پرسش، که آیا از ماهواره استفاده می‌کنند، (۶۶) درصد عنوان کردند که ماهواره دارند و (۳۱) درصد در طول روز یک تا دو ساعت، ماهواره تماشا می‌کنند و ترجیحا (۳۳/۴) درصد آنها از برنامه‌های گوناگون آن نگاه کردن به فیلم را ترجیح می‌دهند. (۷۹/۵) درصد از پاسخگویان اینترنت دارند و (۴۰/۵) درصد ۳-۴ ساعت در روز از آن استفاده می‌کنند. (۲۲/۵) درصد آنها هم‌چنین اذعان کردند که روزانه سه ساعت از فضای مجازی استفاده می‌کنند. از میان پاسخگویان (۷۲/۵) درصد به خارج از کشور مسافرت، و (۳۴/۵) درصد آنها با بیشترین فراوانی حداقل یک بار به خارج از ایران سفر کرده‌اند و بیشتر مقصد مسافرت‌های آنان (۴۸/۵) درصد به خارج از ایران به دلیل انگیزه‌های غیرمذهبی بوده است. در واقع یافته‌ها بیانگر این است که بیشتر افراد مورد مطالعه تجربه جهانی شدن را از طریق ابزارهای جهانی شدن همچون، ماهواره، اینترنت و مسافرت‌های خارجی داشته‌اند.

پاسخگویان پدر و مادر خود را با (۳۳/۸) درصد چندین بار در طول هفته با (۵۱/۸) درصد برادران خود را یک بار در هفته، با (۵۳) درصد خواهران خود را یک بار در هفته ملاقات می‌کنند؛ اما بیشتر آنها با (۶۳/۵) درصد پدر بزرگ و مادر بزرگ خود را از دست داده بودند و برای آنهایی که دارای پدر بزرگ و مادر بزرگ بودند با (۱۲/۵) درصد یک بار در هفته آنها را ملاقات می‌کردند. در واقع آنها از میان خویشاوندان درجه یک، بیشترین ملاقات را با پدر و مادر خود به صورت چندین بار در طول هفته داشته‌اند. هم‌چنین با بیشترین فراوانی (۳۹/۵) درصد برای عموها، (۴۵/۵) درصد برای عمه‌ها، (۴۲/۸) درصد برای خاله‌ها و (۴۶/۲) درصد برای دایی‌ها در طول یک ماه نیز آنها را ملاقات نمی‌کنند. با مشاهده رابطه زوجین با خویشاوندان درجه یک به طور کلی آنها در تمامی سال‌های ازدواج دوبار در هفته خویشان نزدیک خود را ملاقات می‌کنند؛ اما در تمامی گروه‌های هم‌دوره ازدواج تنها یک بار در ماه با خویشاوندان درجه دو خود بویژه افرادی که ده و ۱۵ سال از زندگی مشترک آنها می‌گذرد با خویشان درجه دو خود ارتباط دارند. این امر بیانگر این است که آنها ارتباط با خویشان درجه دو را منوط به داشتن وقت و عدم مشغله زندگی مرتبط کرده‌اند. یافته‌ها بیانگر این است که ارتباطات همچون گذشته با خویشاوندان استمرار ندارد و بجز ارتباط با پدر و مادر زوجین، که هنوز ارتباط عمیق و نزدیک خود را با آنها حفظ کرده‌اند در مرحله بعد با برادران و خواهران خود ارتباط دارند، آنها با دیگر خویشاوندان خود ارتباط نزدیکی ندارند و شاهد کاهش روابط خویشاوندی هستیم.

برای اینکه بدانیم هرم قدرت در خانواده به چه شکلی است از چگونگی تصمیم‌گیری افراد در

خانواده سؤال شد و اینکه کدام یک از تصمیم‌ها در خانواده توسط کدام یک از اعضا خانواده گرفته می‌شود. یافته‌ها بیانگر این است که گزینه تساوی تصمیم‌گیری زن و شوهر در خانواده دارای بیشترین انتخاب (۲۷۸) با (۶۹/۵) درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. همچنین در همه گروه‌های هم‌دوره ازدواج نیز در مجموع زن و شوهر به تساوی در تصمیم‌گیریهای خانواده سهم دارند؛ اما در این میان افرادی که در پنج سال اول ازدواج خود هستند، بیشترین سهم را از مشارکت در تصمیم‌گیری به صورت مساوی داشتند.

در زمینه انتظارات از نقش گزینه بی‌نظر با (۱۹۴) مورد و (۴۸/۵) درصد بیشترین گزینه را به خود اختصاص داده است؛ اما در این میان از بین گروه‌های مختلف هم‌دوره ازدواج، افرادی که ۱۵ سال از زندگی مشترک آنها می‌گذرد، بیشتر نسبت به انتظارات نقش بی‌نظر هستند؛ بدین معنی که انتظارات متوسطی از نقشهای دو جنس دارند. در واقع انتظارات نقشی متوسط با افزایش سالهای ازدواج کاهش می‌یابد و بیانگر این است که بیشتر افراد نسبت به نقشهای دو جنس انتظارات در حد متوسطی دارند؛ اما جوانترها با تفکیک نقشی به نسبت زوجین مسن‌تر بیشتر مخالف هستند. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت تغییر نسبی در انتظارات نقشهای جنسیتی سنتی صورت گرفته است.

با توجه به یافته‌ها می‌توان اذعان کرد امروزه فرزندمداری در خانواده رواج پیدا کرده است. در واقع با بیشترین گزینه انتخاب شده به گزینه کاملاً موافق با (۲۱۲) انتخاب و (۵۳) درصد، پاسخگویان موافق بودند که بیشتر فعالیتهای والدین بر محور خواسته‌ها و برنامه‌های فرزندان تنظیم شود که اقتدار و مرکزیت فرزندان را در خانواده می‌رساند. از سویی زوجینی که ۲۰ سال از ازدواج آنها می‌گذرد با (۶۲) مورد کاملاً موافق و زوجینی که ۲۵ سال از ازدواج آنها می‌گذرد با (۵۱) مورد کاملاً موافق، بیشترین موافقت را با فرزندمداری فرزندان داشتند. در واقع زوجینی که سالهای بیشتری از ازدواج آنها می‌گذرد در مقایسه با سالهای گذشته، که فرزندان چندان نقش محوری در خانواده نداشته‌اند و در تصمیم‌گیریها مشارکت نمی‌کردند و نیز دارای مرکزیت نبودند به افزایش فرزندمداری در خانواده‌ها اذعان می‌کنند. از طرفی در این گروه‌ها فرزندان نیز دوره خردسالی و کودکی را سپری نموده‌اند و بیشترین مشارکت را در خانواده دارند و بیشترین صرف درآمد نیز برای آنان صورت می‌پذیرد.

بر اساس نتایج، بیشترین گزینه انتخاب شده برای همسرگزینی سنتی، گزینه خیر را با مجموع دو گویه با (۷۸۵) مورد انتخاب کرده‌اند و بیانگر این است که بیشتر پاسخگویان به شیوه سنتی

همسرگزینی نکرده‌اند. هم‌چنین برای همسرگزینی آزاد نیز گزینه خیر را با مجموع دو گویه با (۷۸۰) مورد انتخاب کرده‌اند؛ بدین معنی که پاسخگویان به صورت کاملاً آزادانه نیز نسبت به انتخاب همسر خود بدون اطلاع و دخالت والدین خود اقدام نمی‌کنند. در همسرگزینی سنتی نیز مشاهده می‌شود هر چقدر سالهای بیشتری از ازدواج افراد می‌گذرد بیشترین فراوانی را در همسرگزینی سنتی داشته‌اند و در همسرگزینی آزاد نیز جوانترها پیشقدمتر بوده‌اند؛ اما در کل با بررسی نتایج پاسخهای افراد می‌توان پی برد که در همسرگزینی شیوه‌های سنتی انتخاب، که عموماً بدون دخالت فرد و میل و رضایت او، و انتخابها توسط اطرافیان انجام می‌شد، جایگاه خود را از دست داده است؛ اما هنوز انتخابهای افراد کاملاً به شیوه جامعه مدرن نیز صورت نمی‌گیرد که در آن افراد بدون خواست اطرافیان به همسرگزینی اقدام کنند و انتخابهای آزادانه‌ای داشته باشند و بیانگر انتخابهای افراد به شیوه ترکیبی و با خواست والدین و فرزندان همراه است.

پاسخگویان با بیشترین انتخاب نگرش مثبتی به روابط خارج از چارچوب ندارند و با بیشترین انتخاب (۲۱۶) مورد و (۵۴) درصد مخالف روابط خارج از چارچوب بوده‌اند. از سویی با بررسی گروه‌های هم‌دوره ازدواج می‌توان دریافت افرادی که سالهای زیادی از ازدواج آنها می‌گذرد (۲۵) سال با (۵۰) انتخاب) و (۲۰) سال با (۴۹) انتخاب) برای گزینه مخالف، نگرش منفی تری نسبت به روابط خارج از چارچوب دارند. در واقع مشاهدات بیانگر این است با توجه به اینکه افراد در معرض تجربه جهانی شدن قرار دارند در مورد آزادیهای جنسی هنوز هم برخی موانع دینی و سنتی مانع نگرش مثبت آنها به داشتن روابط خارج از چارچوب شده بویژه در گروه‌های هم‌دوره ازدواج که سالهای بیشتری از ازدواج آنها می‌گذرد و نیز کمتر در معرض تجربه جهانی شدن قرار دارند و هنوز هم در مقابل آن مقاومت‌هایی متصور است. بنابراین صرف داشتن تجربه جهانی در این تغییرات مؤثر نیست و عوامل محلی را نیز نباید از نظر دور داشت؛ گرچه می‌توان تغییرات نسبی تری را نسبت به گذشته در نگرش جوانترها به این موضوع نیز مشاهده کرد.

برخی از ازدواجها، که با طلاق پایان نمی‌یابد، به ازدواجهای توخالی تبدیل می‌شود که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی است و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند. طبق نتایج پاسخگویان با (۲۶۵) انتخاب به گزینه موافق و (۶۶/۳) درصد طلاق عاطفی را تجربه می‌کنند و این امر در بین زوجینی که در سالهای اول زندگی هستند (پنج سال اول با ۵۸ مورد موافقت) و (ده سال با ۵۴ مورد موافقت) بیشتر نمایان است. در واقع می‌توان گفت هنگامی که انتخاب جوانان، همانگونه که مشاهده می‌شود، دقیق نباشد و ناآگاهی جوانان از

همسرداری و نیز عدم حمایت خانواده‌ها در مواردی می‌توان این امر را در اوائل ازدواج بیشتر مشاهده کرد.

افراد با مدرن شدن جامعه به سمت فردگرایی گرایش پیدا می‌کنند و تمایل کنشگر به دنبال کردن اهداف شخصی در مقابل اهداف جمعی است؛ اما زوجین زنجان با بیشترین انتخاب (۱۶۵) مورد و (۴۱/۳) برای گزینه مخالف، و سپس با (۱۴۰) انتخاب و (۳۵) درصد برای بی‌نظر، هنوز اهداف جمعی را فراموش نکرده‌اند و نسبت به جمع و جامعه تعهد مناسبی دارند؛ اما با انتخاب گزینه بی‌نظر نیز در مرحله بعد شاهد تمایل آنها به فردگرایی هستیم. در این میان افرادی که ۲۵ سال از ازدواج آنها گذشته با (۴۳) مورد با ۱۰/۸ درصد، بیشترین مخالفت را با فردگرایی داشته‌اند. در واقع می‌توان گفت گرچه بیشتر زوجین در تمامی گروه‌ها با فردگرایی مخالف بوده‌اند، افرادی که کمتر در معرض تجربه جهانی شدن قرار دارند، بیشترین مخالفت را با این مسئله کرده، و فردگرایی کمتری داشته‌اند و بیشتر اهداف جمعی را دنبال می‌کنند.

یافته‌های استنباطی: هنگامی که با مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل و وابسته سر و کار داریم از روش تحلیل همبستگی کانونی استفاده می‌کنیم. در این پژوهش نیز نتایج همبستگی کانونی بین دو مجموعه متغیر مستقل تجربه جهانی شدن با ابعاد "گسترش جهانی، مصرف شبکه‌ای و رسوخ و عمومیت در سفرهای خارجی" و تغییرات در خانواده‌های ایرانی با ابعاد "ساختار قدرت (تصمیم‌گیری)، انتظارات نقش، شیوه‌های همسرگزینی، نگرش به روابط خارج از چارچوب، طلاق عاطفی، فردگرایی، فرزندمداری و تحدید روابط خویشاوندی" در نظر گرفته شده است.

جدول ۲: نتایج محاسبه همبستگی کانونی متغیر تجربه جهانی شدن و تغییرات در خانواده‌های ایرانی

شماره تابعهای کانونی	مقدار ویژه	همبستگی کانونی	مجذور همبستگی	معنی‌داری
۱	۰/۵۲۳	۰/۶۶۰	۰/۴۲۳	۰/۰۰۱
۲	۰/۰۸۶	۰/۱۸۰	۰/۰۳۲	۰/۰۸۷

با توجه به شاخص افزونگی که با ۰/۵۲۳ برابر بوده است، در می‌یابیم که سهم متغیر وابسته اصلی به میزان ۰/۵۲۳ تحت تأثیر یکی از متغیرهای (ابعاد) مستقل است که این متغیر، گسترش جهانی است. نتایج نشان می‌دهد که متغیر گسترش جهانی، یکی از مهمترین متغیرهایی است که در واریانس متغیر وابسته اصلی نقشی عمده و اساسی بر عهده دارد. جدولهای ۳ و ۴ بخوبی میزان

همبستگی متغیرهای زیر مجموعه متغیر مستقل و وابسته اصلی را نشان می‌دهد:

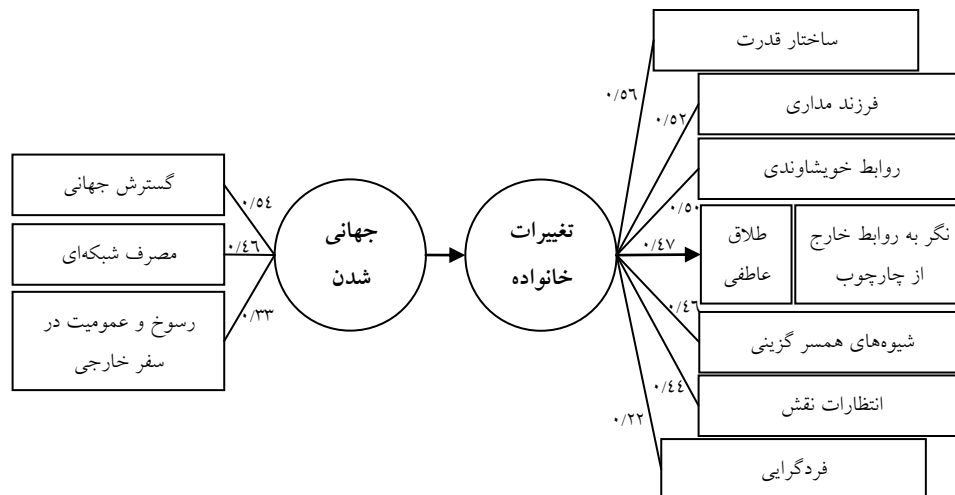
جدول ۳: وزن و بار کانونی در تابع تجربه جهانی شدن

a	اجزای تابع
۰/۴۶	مصرف شبکه‌ای
۰/۵۴	گسترش جهانی
۰/۳۳	رسوخ و عمومیت در سفر خارجی

جدول ۴: وزن و بار کانونی در تابع تغییرات در خانواده‌های ایرانی

b	اجزای تابع
۰/۴۴	انتظارات نقش
۰/۴۶	شیوه‌های همسرگزینی
۰/۵۶	ساختار قدرت
۰/۵۲	فرزندمداری
۰/۴۷	طلاق عاطفی
۰/۲۲	فردگرایی
۰/۴۷	نگرش به روابط خارج از چارچوب
۰/۵۰	روابط خویشاوندی

با توجه به جدولهای ۳ و ۴ در تابع تغییرات در خانواده‌های ایرانی، بیشترین وزن (۰/۵۶) به متغیر ساخت قدرت مربوط است و در تابع تجربه جهانی شدن به گسترش جهانی با ۰/۵۴ مربوط است؛ به عبارت دیگر با افزایش یک واحد ساخت قدرت، میزان همبستگی دو تابع به میزان ۵۶ درصد افزایش خواهد یافت و در تابع دوم با افزایش یک واحد گسترش جهانی، میزان همبستگی دو تابع به میزان ۵۴ درصد افزایش نشان خواهد داد. به طور کلی، می‌توان نمودار علی دو مجموعه متغیر تجربه جهانی شدن و تغییرات در خانواده‌های ایرانی را به صورت ذیل ترسیم کرد:



بر اساس یافته‌های پژوهش، همبستگی مجموعه متغیر تجربه جهانی شدن و تغییرات در خانواده‌های ایرانی حدود ۶۶ درصد است. مجذور این ضریب ۴۲ درصد است؛ به عبارت دیگر، متغیر تجربه جهانی شدن، ۴۲ درصد از تغییرات در خانواده‌های ایرانی را تبیین کرده است. در این میان از کل ۴۲ درصد سهم متغیر مستقل با ابعاد "گسترش جهانی، مصرف شبکه‌ای و رسوخ و عمومیت در سفرهای خارجی"، بیشترین سهم آن توسط متغیر گسترش جهانی که بیانگر میزان استفاده افراد از ماهواره است، رخ داده که بیشترین سهم تأثیر را بر متغیر ساخت قدرت تصمیم‌گیری (از ابعاد هشت‌گانه متغیر وابسته) بر عهده داشته است.

در واقع به همان نسبت که افراد در معرض تجربه جهانی شدن همچون استفاده از ماهواره، اینترنت و یا سفر به دیگر کشورها قرار می‌گیرند و روابط جهانی آنها تشدید می‌یابد بر اساس رویکرد دیالکتیکی به همان نسبت، تغییراتی نیز در خانواده‌ها رخ می‌دهد. ۵۸ درصد تغییرات خانواده‌ها را می‌توان از دیگر عوامل نظیر عوامل محلی همچون عوامل فرهنگی، سیاسی، دینی، سیاست‌گذارهای دولت و... تبیین کرد. بنابراین بر این باوریم که تغییرات خانواده فقط ناشی از تجربه جهانی شدن نیست و مقداری نیز ناشی از عواملی است که در بستر اجتماعی جامعه ایران نهفته است.

در تحلیل همبستگی کانونی، وزنهای کانونی سهم نسبی هر یک از متغیرهای اصلی در میزان همبستگی کانونی و بارهای آن را نشان می‌دهد. با توجه به شاخص افزونگی که با ۰/۵۲۳ برابر

بوده است، در می‌یابیم که سهم متغیر وابسته اصلی به میزان $0/523$ تحت تأثیر یکی از متغیرهای (ابعاد) مستقل است و این متغیر، گسترش جهانی است. در واقع بیشترین همبستگی بین مجموعه متغیرهای وابسته اصلی را، متغیر ساخت قدرت تصمیم‌گیری بر عهده دارد که میزان آن برابر با $0/563$ به دست آمده است. در تابع تغییرات در خانواده‌های ایرانی، بیشترین وزن ($0/56$) به متغیر ساخت قدرت مربوط است و در تابع تجربه جهانی شدن به گسترش جهانی با وزن ($0/54$) مربوط است؛ به عبارت دیگر با افزایش یک واحد ساخت قدرت، میزان همبستگی دو تابع به میزان 56 درصد افزایش خواهد یافت و در تابع دوم با افزایش یک واحد گسترش جهانی، میزان همبستگی دو تابع به میزان 54 درصد افزایش نشان خواهد داد.

همان‌گونه که گرنسهایم معتقد است امروزه شاهد ارتقای کیفی خانواده‌ها هستیم و طبق دیدگاه زارتلر آنچه در دنیای امروز ماهیت روابط اعضای خانواده را دگرگون ساخته تحولات اساسی است که در هرم قدرت خانواده ایجاد شده است و به موقعیت در حال تغییر زنان و موازانه قدرت آنها با مردان بر می‌گردد. گیدنز نیز اذعان می‌کند که جوامع ما از نظر روابط میان دو جنس، هر روز مساوات طلب‌تر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت تجربه جهانی شدن بویژه گسترش جهانی و استفاده از رسانه جهانی ماهواره می‌تواند بیشترین تغییر را در هرم قدرت خانواده داشته باشد و از میان عوامل دیگر، بیشترین تغییر را در خانواده‌های زنجان از این طریق شاهد هستیم.

در تابع تغییرات در خانواده‌ها پس از ساخت قدرت (تصمیم‌گیری)، بیشترین همبستگی در مرحله بعد با متغیر فرزندمداری با وزن ($0/52$) در رده دوم همبستگی قرار دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش یک واحد فرزندمداری، میزان همبستگی دو تابع به میزان 52 درصد افزایش خواهد یافت و در تابع دوم با افزایش یک واحد گسترش جهانی، میزان همبستگی دو تابع به میزان 54 درصد افزایش نشان خواهد داد. در واقع همان‌گونه که گیدنز معتقد است با تغییراتی که در اثر جهانی شدن به وقوع پیوسته است، شاهد گسترش حقوق کودکان هستیم و داشتن فرزند اگر چه اهمیت سابق خود را ندارد به دلیل فرزندمداری، فرزندان هزینه اقتصادی هستند و از آنجا که به عقیده گرنسهایم شاهد ارتقای کیفی خانواده‌ها هستیم، امروزه نیز بر اثر نفوذ فرایند جهانی شدن از طریق ابزارهای جهانی شدن، شاهد فرزندمداری در خانواده‌ها هستیم که فرزندان دارای اهمیت محوری، و در تصمیم‌ها مشارکت داده می‌شوند.

روابط با خویشاوندان در تابع تغییرات در خانواده‌های ایرانی با وزن ($0/50$) در رده سوم همبستگی قرار دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش یک واحد روابط با خویشاوندان، میزان همبستگی

دو تابع به میزان ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت و در تابع دوم با افزایش یک واحد گسترش جهانی، میزان همبستگی دو تابع به میزان ۵۴ درصد افزایش نشان خواهد داد. همان گونه که گیدنز معتقد است، جهانی شدن موجب از دست دادن نفوذ گروه‌های خویشاوندی به هم پیوسته شده است. وایدمر همین نگاه را به جمع‌های خانوادگی دارد. او معتقد است افراد در دنیای امروز دیگر جمع‌های خانوادگی گذشته را سامان نمی‌دهند، بلکه خود در انتخاب و گزینش افرادی دخالت دارند که مایلند در جمع آنان قرار گیرند.

متغیر طلاق عاطفی و روابط خارج از چارچوب، هر دو با وزن (۰/۴۷) با تابع تغییرات در خانواده‌های ایرانی همبستگی دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش یک واحد طلاق عاطفی و نگرش به روابط خارج از چارچوب، میزان همبستگی دو تابع به میزان ۴۷ درصد افزایش خواهد یافت و در تابع دوم با افزایش یک واحد گسترش جهانی، میزان همبستگی دو تابع به میزان ۵۴ درصد افزایش نشان خواهد داد. ذکر این نکته نیز ضروری است که اگر چه تجربه جهانی شدن و بویژه گسترش جهانی و پس از آن مصرف شبکه‌ای ظهور خانواده اضطراری را موجب شده است، با مشاهده وزن تابع (۰/۴۷) همبستگی این تابع نسبت به دیگر متغیرها در حد متوسطی قرار دارد. تکوین خانواده اضطراری و ظهور طلاق عاطفی، وضعیتی است که در ظاهر ساختار خانواده حفظ می‌شود ولی در واقع خانواده از درون تهی است؛ چرا که رابطه عاطفی مثبت میان زوجین از میان رفته و روابط منفی عاطفی جای آن را گرفته است. بنابراین هنگامی که تحت تأثیر اوضاع اجتماعی جامعه ناشی از امواج جهانی شدن، خانواده سنتی ایرانی برخی کارکردهای خود را از دست داده و یا کارکردهای آن تغییر کرده و تعادل ساختاری آن با چالش روبه‌رو شده است، بروز پدیده‌ای همچون طلاق عاطفی دور از انتظار نیست.

نگرش به روابط خارج از چارچوب نیز در تابع تغییرات در خانواده‌های ایرانی با وزن (۰/۴۷) همچون طلاق عاطفی در رده چهارم همبستگی قرار دارد. همان گونه که گیدنز معتقد است تحت تأثیر جهانی شدن، تغییرات عمده‌ای در خانواده روی داده که یکی از آنها رشد آزادیهای جنسی است. در واقع هنگامی که نگرشها به روابط خارج از چارچوب تغییر کند در پی آن آزادیهای جنسی در جامعه رشد خواهد یافت؛ بدین معنی که هر چقدر افراد بیشتر در معرض تجربه جهانی شدن قرار داشته باشند و بیشتر از ابزارهای جهانی شدن همچون ماهواره و اینترنت استفاده کنند، نگرشهای آنان به روابط خارج از چارچوب تغییر خواهد یافت و همان طور که می‌دانیم در پی تغییر نگرش به روابط خارج از چارچوب، شاهد رشد این نوع روابط خواهیم بود. در ایران اگر

چه شاهد گسترش روابط جنسی خارج از چارچوب هستیم، برخی از زمینه‌ها از جمله ظهور و گسترش رفتارهای غریبی از قبیل زوج زیستی خارج از ازدواج و تولد و فرزندآوری قبل از ازدواج بین خانواده‌های ایرانی و همین‌طور زنجانی، شواهد بسیاری یافت نشده است. اگر چه به دلیل مسائل دینی و فرهنگی این مسئله همواره در جامعه عیان نمی‌شود.

در تابع تغییرات در خانواده‌های ایرانی شیوه‌های همسرگزینی با وزن (۰/۴۶)، همبستگی دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش یک واحد شیوه‌های همسرگزینی، میزان همبستگی دو تابع به میزان ۴۶ درصد افزایش خواهد یافت و در تابع دوم با افزایش یک واحد گسترش جهانی، میزان همبستگی دو تابع به میزان ۵۴ درصد افزایش نشان خواهد داد. امروزه، نقش عشق و روابط احساسی و عاطفی را در شکل‌گیری ازدواج نمی‌توان نادیده گرفت. احتمال ازدواجهای از قبل تنظیم شده به دلیل غلبه نظام خانوادگی هسته‌ای کمتر است که می‌توان دلیل این امر را در الگوی همگرایی جهانی شدن دانست. همان‌گونه که گیدنز معتقد است روند انتخاب آزادانه همسر و کاهش ازدواجهای تنظیم شده تحت تأثیر فرایند جهانی شدن در جریان است. چیل نیز معتقد است در جوامع سنتی، والدین برای ازدواج فرزندشان تصمیم می‌گرفتند و غالباً از نفوذ زیادی برخوردار بودند؛ اما در دهه‌های اخیر در مناطق شهری ازدواجهای سنتی به ازدواجهایی تبدیل شده است که در آنها افراد در انتخاب همسر آزادند؛ اما آنچه مهم است در شهر زنجان فرزندان و والدین با هم‌اندیشی نسبت به همسرگزینی اقدام می‌کنند و هیچ‌گونه برتری نسلی در این میان به چشم نمی‌خورد.

در تابع تغییرات در خانواده‌های ایرانی انتظارات از نقش با وزن (۰/۴۴) همبستگی دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش یک واحد انتظارات نقش، میزان همبستگی دو تابع به میزان ۴۴ درصد افزایش خواهد یافت و در تابع دوم با افزایش یک واحد گسترش جهانی، میزان همبستگی دو تابع به میزان ۵۴ درصد افزایش نشان خواهد داد. در واقع در این تابع کمترین میزان همبستگی با متغیر جهانی شدن به انتظارات نقش متعلق است؛ بدین معنی که اگر چه تحت تأثیر فرایند جهانی شدن انتظارات افراد از نقشهای جنسیتی تغییر می‌یابد، نسبت به دیگر ابعاد تغییر در خانواده این بعد کمتر تحت تأثیر فرایند جهانی شدن قرار دارد و مردم زنجان هنوز انتظارات سنتی از نقشهای زن و مرد دارند. اگر چه امواج جهانی شدن تغییر نقش زنان به ایران نیز رسیده و چالشهایی را در برابر ساختار سنتی خانواده و جامعه ایران قرار داده است و زنان زنجانی با مشارکت اقتصادی و اجتماعی خود کنشگران فعالی هستند، هنوز برای نقشهای سنتی خود نیز اهمیت قائلند.

در تابع تغییرات در خانواده‌های ایرانی فردگرایی با وزن (۰/۲۲) همبستگی دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش یک واحد انتظارات نقش، میزان همبستگی دو تابع به میزان ۲۲ درصد افزایش خواهد یافت و در تابع دوم با افزایش یک واحد گسترش جهانی، میزان همبستگی دو تابع به میزان ۵۴ درصد افزایش نشان خواهد داد. همان‌گونه که والینوا در نقد آنتونی گیدنز، اولریک بک و الیزابت بک - گرنسهایم معتقدند که در جهان طیفی از فردگرایی وجود دارد و گفتمان فردگرایی مانع درک الزامات ساختاری شده است که بر تمامی ابعاد زندگی انسانها سایه افکنده است. اگر چه بر اثر تجربه جهانی شدن فردگرایی در خانواده‌های زنجان رخ داده است، همان‌طور که مشاهده می‌شود، کمترین همبستگی را با متغیر مستقل دارد و نسبت به دیگر تغییرات خانواده، کمترین تغییرات را پذیرفته است.

بنابراین از آنجا که یکی از اهداف این مقاله، شناخت تغییر پذیرترین ابعاد خانواده زنجان در رویارویی با جهانی شدن است، می‌توان اذعان کرد که هرم قدرت تصمیم‌گیری، فرزندمداری و تحدید روابط خویشاوندی به ترتیب بیشترین تغییر را در خانواده‌های شهر زنجان دارد و در مراحل بعدی نیز طلاق عاطفی و نگرش به روابط خارج از چارچوب با وزن برابر و سپس شیوه‌های همسرگزینی در رده بعدی تغییرات خانواده قرار دارد. هم‌چنین انتظارات نقش و تفردگرایی نیز در آخرین رده‌های تغییر یافته خانواده‌ها تحت تأثیر جهانی شدن است.

از دیگر اهداف پژوهش نیز شناسایی تأثیرگذارترین ابعاد (ویژگی) جهانی شدن بر تحولات خانواده زنجان است که می‌توان گفت در تابع متغیر مستقل تجربه جهانی شدن به ترتیب با وزن (۰/۴۶) برای متغیر گسترش جهانی، که در واقع میزان استفاده افراد را از ماهواره نشان می‌دهد، در مرحله بعد مصرف شبکه‌ای با وزن (۰/۵۴) به ترتیب بیشترین همبستگی و در نهایت رسوخ و عمومیت در سفرهای خارجی با وزن (۰/۳۳) کمترین همبستگی را داشته است.

از آنجا که برای درک تغییرات خانواده‌های ایرانی تحت تأثیر جهانی شدن از گروه‌های هم‌دوره ازدواج استفاده شد از تحلیل واریانس چند متغیره^۱ نوعی گسترش تحلیل واریانس است که از آن هنگامی استفاده می‌شود که بیش از یک متغیر وابسته داشته باشیم. بنابراین به منظور اثبات تفاوت در میزان انتظارات از نقش، ساختار قدرت (تصمیم‌گیری)، طلاق عاطفی، شیوه‌های همسرگزینی، فردگرایی، نگرش به روابط خارج از چارچوب، فرزندمداری و روابط خویشاوندی

در درون هر کوهورت ازدواج (گروه‌های همدوره ازدواج) از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. برای تعیین معنی داری اثر گروه بر متغیرهای وابسته از آزمون لامبدا ویلکز استفاده شد که نتایج در جدول ۵ گزارش شده است:

جدول ۵: نتایج آزمون لامبدای ویلکز در تحلیل واریانس چندمتغیره متغیرها

آزمون	ارزش	F	سطح معنی داری	مجذور ایتا
لامبدای ویلکز	۰/۶۳۶	۵/۸۵۴	۰/۰۰۰	۰/۱۰۷

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد که بین پنج گروه (۵ سال، ۱۰ سال، ۱۵ سال، ۲۰ سال و ۲۵ سال) حداقل در یکی از متغیرها تفاوت معنی داری وجود دارد ($F(4,395) = 5/854$). برای بررسی پیشفرض برابری واریانس متغیرها در گروه‌های مورد نظر نیز از آزمون لون استفاده شده است:

جدول ۶: نتایج آزمون لون در تحلیل واریانس چندمتغیره متغیرها

متغیرها	F	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معنی داری
فرزندمداری	۲/۴۷۱	۴	۳۹۵	۰/۰۴۴
شیوه‌های همسرگزینی	۳/۸۱۸	۴	۳۹۵	۰/۰۰۵
روابط خارج از چارچوب	۴/۲۸۱	۴	۳۹۵	۰/۰۰۲
طلاق عاطفی	۰/۷۱۰	۴	۳۹۵	۰/۵۸۵
فردگرایی	۱/۳۸۶	۴	۳۹۵	۰/۲۳۸
روابط خویشاوندی	۳/۴۱۴	۴	۳۹۵	۰/۰۰۹
ساخت قدرت تصمیم‌گیری	۶/۹۷۰	۴	۳۹۵	۰/۰۰۰
انتظارات از نقش	۰/۸۲۱	۴	۳۹۵	۰/۵۱۲

جدول ۶ گویای این است که واریانس متغیرها در پنج گروه با هم برابر نیست و با یکدیگر تفاوت معنی داری دارد. با توجه به نتایج آزمونهای باکس، لامبدا ویلکز و لون، تحلیل‌های مربوط به تأثیرات پاسخ‌دهندگان مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جدول ۷ قابل مشاهده است.

تکیه بر رویکرد دیالکتیکی و تلفیقی تلاش شد تا تبیینی جامعه‌شناختی از موضوع مورد مطالعه ارائه شود. جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی و چند جانبه است که همه ابعاد و عرصه‌های حیات اجتماعی را دربر می‌گیرد و به همین دلیل آثار و پیامدهای گوناگونی نیز به دنبال داشته است. امروزه تغییر و تحولاتی که در سطح جهانی اتفاق افتاده، پیامدهایی را از طریق دنیای ارتباطات و اطلاعات به جامعه ایرانی تزریق کرده که چون فرهنگ‌سازی نشده، تحولانی را برای خانواده‌ها به وجود آورده و سبب شده است که بتدریج خانواده ایرانی و در پی آن، خانواده‌های زنجانی تغییراتی را در خود بپذیرد. برای بررسی اهداف پژوهش از رویکرد دیالکتیکی استفاده شد. طبق نظریه ساختاری گیدنز، که ساختار (به معنی قواعد و منابع) را هم به سطح کلان (نظام‌های اجتماعی) و هم به سطح خرد (خانواده) پیوند می‌دهد و جهانی شدن را پدیده‌ای دیالکتیک می‌داند و این مقوله را به عاملیت باز می‌گرداند، بهره بردیم. ما عاملان این فرایند هستیم، همان طور که همزمان تحت تأثیر آن نیز قرار داریم و زندگیمان به طور کلی توسط آن تغییر می‌کند. جهانی شدن در دگرگونی نهادهای بنیادین جامعه مؤثر است که از خانواده تا ماهیت زندگی اقتصادی، حاکمیت سیاسی، زندگی فرهنگی و جامعه گسترده‌تر جهانی که دارای سازمانهای جهانی است را شامل می‌شود. با بررسیهایی که در مورد تغییرات خانواده انجام شد، می‌توان به منطبق فازی معتقد شد؛ منطقی که در آن سیاه و سفید و صفر و یک وجود ندارد، بلکه شاهد طیفی از رنگها هستیم. نیروهای جهانی باعث دسترسی به منابع و گسترش فرصتها شده است؛ توانمندسازی افراد و گروه‌هایی که به حاشیه رانده شده بودند، همچون زنان و کودکان به فعلیت درآمدن توان رسیدن صدای آنان به عرصه‌های عمومی، موجب کم‌رنگ شدن نابرابریها، دموکراتیک شدن روابط در خانواده و آشنایی افراد با قوانین و حقوق بین‌المللی در زمینه خانواده شده است که در مواردی تغییر قوانین خانواده را نیز در کشور به همراه داشته است.

اگر چه جهانی شدن فرصتهایی را برای از بین بردن پدرسالاری و افزایش حقوق زنان ایجاد کرده و به افراد اجازه داده به تغییر شکل هویت خود پردازند و با افراد همفکر در شبکه‌های گسترده‌تر اجتماعی پیوند یابند در مقابل، چالشهایی در زمینه هویت و ساختار روابط خانوادگی ایجاد کرده است. با وجود مزایا، جهانی شدن پیامدهای منفی دیگری را نیز در خانواده به همراه داشته است؛ پیوند اقتصاد محلی به اقتصاد جهانی، موجب شکل‌گیری مسائل اقتصادی بویژه در کشورهای در حال توسعه برای اقشار جامعه بویژه برای گروه‌های خاص زنان و اقشار آسیب‌پذیر، رشد بیکاری و مسائل اقتصادی شده و توان تأمین هزینه خانواده بشدت کاهش یافته، فقر و عدم

توازن اقتصادی سبب جدایی اجباری خانواده‌ها به صورت مهاجرت‌های اجباری برای کارایی و ظهور خانواده دورزی شده و در تصمیم‌گیریها در خانواده همچون زمان ازدواج، فرزندآوری، اختلافات خانوادگی و رشد طلاق مؤثر بوده است.

باید اذعان کرد میزان تحول جامعه و خانواده از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. اگر چه تغییر و تحولات در خانواده ایرانی تحت تأثیر جهانی شدن به وقوع پیوسته است باید این نکته را نیز یادآور شد که این تغییرات ضمن وجوه اشتراک با خانواده در دیگر نقاط جهان، ویژگیهای خاص خود تحت تأثیر اوضاع اقتصادی، فرهنگی، طبیعی، اجتماعی و سیاسی را دارد؛ لذا سیاستگذارها در حوزه خانواده با توجه به فرصتها و تهدیدهای ناشی از جهانی شدن، مستلزم درک تفاوت فرهنگها و جوامع متفاوت است و واکنش یکسان در درون هر کشور و برای فرهنگهای مختلف، مؤثر نیست. به نظر می‌رسد، فرصتها و تهدیدها آن چنان به هم آمیخته است که یک مسئله را می‌توان هم فرصت و هم تهدید دانست. در واقع می‌توان با شناسایی و دید صحیح و منطقی، تهدیدها را نیز به فرصت تبدیل کرد که اگر از قافله این حرکت جهانی عقب بمانیم، حتی فرصتها نیز از دست می‌رود و این جدی‌ترین تهدید خواهد بود.

از آنجا که یافته‌های این تحقیق بیانگر بازاندیشی زنان و کنشگری آنان است، ضرورت حمایت از زنان زنجان برای مشارکت مدنی آنان در برنامه‌های بلندمدت، میانمدت و کوتاه‌مدت در سطح منطقه و شهر زنجان ضروری است تا از این طریق به بهبود فضای خانوادگی کمک کرده باشیم. با فرهنگ‌سازی در مقابل رسانه‌های نوین به عنوان ابزار جهانی شدن از تهدیدهای آنها بکاهیم و از فرصتهای رسانه‌های نوین در راستای ارتقای کیفی خانواده سود جوییم. از آنجا که خانواده‌های زنجان در برابر تحدید روابط خویشاوندی و فردگرایی مقاومت می‌کنند، می‌توان با فرصتهای ایجاد شده توسط ارتباطات نوین با جایگزینی شبکه‌های مجازی خانوادگی به جای ارتباطات واقعی خویشاوندی و فرهنگ‌سازی در این زمینه اقدامات لازم را انجام داد. به دلیل رسوخ باورهای دینی در میان مردم زنجان با همه تغییرات ارزشی و معنایی خانواده، نسبت به روابط خارج از چارچوب نگرانی وجود دارد؛ بنابراین می‌توان با دو مؤلفه دین و فرهنگ محلی در مقابل تغییرات منفی جهانی شدن مقابله کرد. از آنجا که بیشترین تغییر تحت تأثیر جهانی شدن در افقی شدن هرم قدرت در خانواده روی داده است، می‌توان با بهره‌گیری از همین توان در راه بازسازی خانواده از طریق ترویج خانواده مدنی گام برداشت که عقلانی و بر اساس مشارکت اعضا خانواده باشد. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود به تغییرات در خانواده‌ها تحت تأثیر جهانی شدن با دید منفی

نگریسته نشود؛ زیرا خانواده ایرانی و نیز خانواده‌های زنجان‌ی در حال بازسازی خود است و به اصلاح دوباره و بازتعریف خود اقدام می‌کند؛ اما برای تبدیل این چالش به فرصت نیازمند سیاستگذاری فرهنگی و اجتماعی و حمایت از خانواده در ابعاد مختلف بدون سیاستهای مداخله‌گرانه دولت و به صورت حمایتی هستیم.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: انتشارات سمت.
- ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی فلسفی در غرب باستان. تهران: بهمن برنا.
- اسمیت جرمی، آدام (۱۳۹۱). زنان شاغل مردان خانه‌دار، جابجایی نقشهای خانوادگی در امریکا. ترجمه محمد مهدی لیبی، با مقدمه‌ای از دکتر باقر ساروخانی. ج ۱. تهران: نشر علم.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
- برگر، پیتر، ال. بریجیت برگر؛ هاستفرید کلنر (۱۳۸۱). ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی. ترجمه محمد ساوجی. تهران: نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۳). یکسان‌سازی، یکتانگاری، دیالکتیک تاریخی و مسائل توسعه سیاسی در ایران. مجله فرهنگ و توسعه. ش ۱۷: ۲ - ۶.
- بهکیش، محمدمهدی (۱۳۸۱). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران: نشر نی.
- تامیلنسون، جان (۱۳۸۰). جهانی شدن و فرهنگ. ترجمه محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- جلایی‌پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال (۱۳۸۸). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی. ج دوم. تهران: نشر نی.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). مفهوم‌شناسی جهانی شدن، رویکردی چند رشته‌ای به جهانی شدن. تهران: مرکز ملی جهانی شدن.
- دیندار، مرتضی (۱۳۹۱). تحلیل گفتمانی خانواده مبتنی بر جهانی شدن و دین‌مداری، با تحلیل فیلم‌های پرمخاطب خانواده در دو دهه اخیر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشکده خانواده. دانشگاه شهید بهشتی.
- روشه، گی (۱۳۸۳). تغییرات اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج؛ گودمن، داگلاس جی (۱۳۹۳). نظریه جامعه‌شناسی مدرن. ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده. تهران: جامعه‌شناسان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
- سرای، حسن (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان‌گذار جمعیتی ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. ش ۲: ۳۷ - ۶۰.
- سمعی، ابوز و دیگران (۱۳۹۱). بررسی نقش برنامه‌های ماهواره‌ای در تغییر نگرشها و ارزشهای خانواده. مجموعه مقاله‌های کنگره خانواده.

- شکریگی، عالیہ (۱۳۹۰). مدرن گرایی و سرمایه اجتماعی. خانواده: درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران. تهران: جامعه‌شناسان.
- طنازی، ندا (۱۳۹۱). تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر ارزشهای خانوادگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.
- عسگری‌ندوشن، عباس؛ عباسی‌شواری، محمدجلال؛ صادقی، رسول (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرشهای ازدواج در شهر یزد). فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. س یازدهم. ش ۴۴: ۷-۳۶.
- علی‌احمدی، امید (۱۳۸۸). خانواده در صد سال اخیر. تهران: نشر شهر.
- علی‌احمدی، امید؛ ناصرپور، رضاکریم سرا (۱۳۹۲). تهدیدهای خانواده و تقابل سنت و مدرنیسم. علوم اجتماعی. ش ۶۴: ۱۲-۲۱.
- عنایت، حلیمه؛ پرنیان، لیلا (۱۳۹۲). جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری زنان. فصلنامه زن و جامعه. دوره ۴. ش ۱۴: ۱۰۹-۱۳۷.
- عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید (۱۳۸۲). زنان و تحولات خانواده در عصر جهانی شدن. پژوهش زنان. دوره ۲. ش ۲.
- قلیچ، مرتضی (۱۳۹۱). جهانی شدن فرهنگی و تأثیرات آن بر ارزشهای زناشویی و روابط خانوادگی. رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات؛ قدرت هویت. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: طرح نو.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن. فصلنامه مطالعات ملی. س سوم. ش ۱۱: ۸۵-۱۱۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). در جهانی از تحولات بنیادین به سر می‌بریم. گفتگو با آنتونی گیدنز. ترجمه نیکو سرخوش. ماهنامه کتاب ماه علوم اجتماعی. س چهارم. ش ۱۱ و ۱۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی. چ دوم. ترجمه حمیدرضا جلالی‌پور. انتشارات طرح نو.
- لیبی، محمدمهدی (۱۳۹۳). خانواده در قرن بیست و یکم. با مقدمه‌ای از باقر ساروخانی. تهران: نشر علم.
- مشفق، محمود؛ حسینی، قربان (۱۳۹۳). تحلیل روند اثرات تحولات شاخصهای جهانی شدن بر سن ازدواج در کشورهای غرب آسیا با تأکید بر ایران از سال ۲۰۱۰ - ۱۹۷۰. کنگره ملی آسیب شناسی خانواده (و جشنواره ملی خانواده‌پژوهی). وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.
- مشگی، الناز (۱۳۹۱). راهبردهای مقابله با چالشهای فراروی کارکرد خانواده در عرصه جهانی شدن. فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن. س سوم. شماره چهارم. پیاپی ۷. ۱۵۹-۱۸۰.
- مک‌کارتی، جین ربنز؛ ادوارزد، روزالیند (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده. ترجمه محمدمهدی لیبی. تهران: نشر علم.

- Giddens, Anthony. (2001). **Interview with Anthony on the future of the world order.**
- Harbison.S .F. Rominsom W. C. (2001). **Globalization, Family Structure, and Declining Fertility in the Developing World.** Review of Radical Political Economics, Volume 35, No. 1, winter 2003, 44-55.
- Held,David.(2000).Aglobalizing World? Colture, enonomic, politics.London, the Open University. **International Journal of Sociology of the Family**, Vol. 34, No. 1, pp. 65-76.
- Jabbara. Nancy W. (2008). **Family Change and Globalization in a Lebanese Village.**
- Jallinoja, R. (2008) **Genealogical Proximity as a Constitutive Rule of Family Configuration.** Paper presented at the ESA Research Network of Sociology of Family and Intimate Lives Conference Family in the Making: Theorizing Family in the Contemporary European Context, Helsinki University, 27-29.
- Kumar.A. (2012).The Impact of globalization on Family- structure: a so ciological Study (In Reference to the 300 Benegali Families Situating in Udham Singh nagar district of Uttarakhand. **Journal of Experimental Sciences** 2012, 3(1): 10-13.
- Sherif Trask. B. (2010). **Globalization and Families:** Sage.
- Tamlinson, J. (2002). **Globalization and culture**, Translated by M. Hakimi, Tehran: Cultural Research's Office. (In Persian).
- Widmer,E. D. (2006). Who are My Family Members? Bridging and Binding Social Capital in Family Configurations, **Journal of Social Personal relationship**, 23(6), 979-98.
- Zartler. U. (2009). **Focus on Families.** Austrian Federal Ministry of Economy.